

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Historical

تاریخی

داکتر اجرالدین حشمت



از جنبش مشروطه تا دولت مشروطه در افغانستان

الف-موقف زن در عصر امپراتوری ساسانی (۲۲۵-۶۴۰ میلادی):

جایگاه زن در این دوره در ایران و متصرفات وسیع آن امپراتوری یعنی آسیای مرکزی، افغانستان غربی و سایر ممالک مفتوحه مشابه بود. تعدد زوجات، انواع ازدواج‌ها «استقراضی» یا «عاریتی»، «ازدواج با محارم» و غیره مرسوم بود. خرید و فروش زن رایج و یک امر عادی شمرده می‌شد که عبارت ذیل می‌تواند مؤید آن باشد:

«بنا بر رسم، همسر آینده زن، مبلغ معین پول یا کالای معادل آن مبلغ به والدین زن میداد، لیکن اگر پس از ازدواج معلوم می‌گردید که زن ارزش مبلغ پرداخته شده را ندارد یعنی اگر زن نازا (عقیم) بود، این پول می‌بايست به شوهرش پس داده شود.» (۷۷)

به هر حال با رشد نظام فیودالی هنوز تضاد های طبقاتی در این دوره حادث تر می‌شد، بناءً این امر در تشدید تبعیض جنسی بین اشراف و اعیان از یکطرف و اقشار و طبقات نادار از جانب دیگر کمک قابل ملاحظه مینمود که در نتیجه آن ازدواج با محارم مجاز گردید بدین معنی که پیوند کسی که از طبقه بالاتر بوده با طبقه پست تر از خود ناروا و ناپسند بوده است، ناچار برای اینکه دختران و زنان بی شوهر و بی سرپرست نمازند و تن به زنا شویی با طبقه پست تر از خود ندهند اجازه داده می‌شد که با نزد یکان خود پیوند کنند. (۷۸)

نظام فیودالی با رشد بطنی نیروهای تولیدی و مناسبات کهنه اجتماعی خود مانع هر نوع پیشرفت اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی بود، در راستای رشد انواع تضاد های طبقاتی آن، تبعیض جنسی نیز سیر صعودی خود

را می پیمود ، که نه تنها زن را در سر زمین های امپراتوری ساسانی ، بلکه نظر به خصلت جهان شمول آن ، در سراسر جهان به يك « شئی بی قیمت ، بلا اختیار ، بی اراده ، تملك قابل معامله » و یا به يك کلمه فاقد هر نوع حقوق انسانی مبدل نموده بود .

ب - موقف زن در عصر غزنویان :

در سده های دهم و دوازدهم میلادی زنان در تحت فشار و ستم مردان قرار داشتند و از اکثر حقوق اجتماعی و انسانی محروم بودند . در امور سیاسی و اقتصادی چندان دخالت نداشتند ، در چار دیواری خانه ها و حرم سراها مقید بودند .

بعضی از نویسندگان و از آن جمله دکتر محمد علی ناجی راد علت تنزل مقام زن را در دوره غزنویان ترویج و نگهداری غلامان و کنیزان میدانند ، چه در عصر غزنویان امراء و ندبا در امور منزل داری ، نظارت و حفاظت از ملکیت های خود به کثرت از غلامان و کنیزان استفاده میکردند ، بناءً این امر باعث تنزل نقش زن در عهد غزنویان در جامعه گردید .

اگرچه در قرن چهارم ، پنجم و ششم هجری عده ای انگشت شماری زنان فاضله و شاعره و حتی سیاست مدار مانند « حره ختلی » خواهر سلطان محمود غزنوی (۷۹) ، را بعه بلخی ، مهستی ، سید بیگم ، مطربه کاشغری (۸۰) در غزنی و یا سایر بلاد خراسان عرض وجود نمودند ، اما این بدان معنی نیست که زن در جامعه فیوادی عصر غزنویان در کشور از موقف بهتر برخوردار بود . این عده معدود زنان از فامیل های شاهان ، اعیان و اشراف برخاسته و به هیچوجه نمایندگان زنان نظام فیوادی در کشور شده نمیتوانند .

پ - زن در عصر سلجوقیان ، غوریان و خوارزمشایان :

اگرچه قرون یازدهم ، دوازدهم و سیزدهم دوران انکشاف فیوادی در کشور است که هنوز زن به صورت کل از حقوق اجتماعی و انسانی محروم بود ، اما عده معدود آنها که از فامیل های ممتاز بودند نظر به نفوذ پذیری و سنن قبیله ای در امور دولت داری با پسران و یا شوهران خود همکاری مینمودند که معروفترین آنها قرار ذیل اند : پاشاه خاتون دختر قتلغ ترکان ، کرد و جین دختر منکوتیمور ، آتش خاتون ، ترکان خاتون همسر سلطان ایل ارسلان ، ترکان خاتون همسر سلطان تکش و مادر سلطان محمد خوارزمشاه (۸۱) ، سلطان رضیه دختر شمس الدین غوری و پاشاه خاتون دختر قطب الدین محمد قراختائی . (۸۲)

ت - زن در دوره مغل :

در این دوره موقعیت زنان نظر به ادوار قبلی به کلی متفاوت بود ، بدین معنی که زنان مغل نظر به شیوه زندگی عشیره ای ، قبیله ای و صحرا - نشینی از حقوق و آزادی های بهتر برخوردار بودند و آنها همدوش مردان خود در پروسه تولید ، جنگ و حتی در تصمیم گیری خرد و بزرگ سیاسی شرکت میکردند . زن با مرد از نظر مالکیت دارای حقوق مساوی بوده و میتوانست مالک زمین باشد . به قول شیپولر : وضع زن ظاهراً از نظر حقوق جزاء با مردان چندان متفاوت نبوده است . آنان نیز به جرم جاد و گری و قتل شوهران با زهر و غیره به مرگ محکوم میشدند و این حکم بیشتر از طریق غرق آنان در آب اجراء میشد . (۸۳)

مقام و منزلت زن مغول در قوانین آنها انعکاس داده شده بود که بعداً انتقال آنها در سرزمین های مفتوحه در امر انکشاف فرهنگ آینه این منطقه بی تاثیر نبود . محمد علی ناجی راد وضع زنان دوره مغول را چنین جمع بندی مینماید :

« زنان ترك، مغول، ایلخانی، تیموری موقعیت و منزلتی تقریباً برابر با مردان داشتند، آنان در کارهای تولیدی و سیاسی نقش موثری را بازی کردند.»

ث- زن در دوره بابری ها و صفوی ها :

از اوایل قرن شانزدهم تا نصف قرن هجدهم در افغانستان دو فرهنگ متفاوت رو به گسترش بود. در ایالات شمالی و غربی قوانین دولت مذهبی و متعصب صفوی و در صفحات جنوبی و شرقی کشور دستورات و مقررات دولت باری هند مرعی الاجراء بود. وضعیت زنان در عهد صفوی بسیار تأثیر آور و تحقیر آمیز بوده است. در زمان شاه طهما سب اول که مرد متدین و در امر به معروف و نهی از منکر سخت متعصب بود زنان ایران بسیار مقید و محجب بودند و از خانه جز به حکم ضرورت بیرون نمی آمدند و در کوی و برزن پیاده نمی گشتند. (۸۴)

اما در جامعه باری هند وضع تا حدودی متفاوت بوده زنان در موقعیت اجتماعی نسبتاً بهتری قرار داشتند. در مدت بیشتر از دو صد سال امپراتوری مغل در هند شاهان و نویسندگان نام آوری از آن مرز و بوم (تمام آنها به فامیل های شاهان و امراء تعلق داشتند) برخاسته که معروفترین آنها قرار ذیل اند:

گلرخ بیگم دختر بابر، سلیمه بیگم نواسه بابر، نورجهان بیگم، دلارام فنا النساء بیگم زنان جهانگیر، جهان آرا بیگم دختر شاه جهان، زیب النساء بیگم دختر بزرگ اورنگزیب عالمگیر، امانی کنیز زیب النساء وغیره. (۸۵) اما باین هم، نکته در خور توجه آن است که زنان نه در زمان دولت مذهبی صفوی ایران و نه در دوره تسلط امپراتوری مغل هند، آنطوریکه سزاوار و شایسته زنان آزاده است از حقوق و کرامت انسانی برخوردار نبودند.

ج- زن در دوره سلطنت ابدالی ها :

امور اجتماعی و فرهنگی در عصر امپراتوری پنهان درانی، با وجود جلال و شوکت ظاهری اش، دارای برجستگی خاصی نیست. در شهرهای بزرگ زن ها در چاردیواری خانه ها مصروف امور منزل و تربیه اطفال و در ولایات و روستاهای کشور در کارهای زراعتی و مالداری با شوهران و پسران خود ها و حفاظت از مالکیت های فامیلی شرکت داشتند، اما فاقد هرگونه صلاحیت و اختیار بودند. اجازه صدور ازدواج دختران را پدر و یا برادر بزرگ و یا بعضاً کلان وریش سفید قوم و قبیله داشتند. طلاق روی اراده مرد و بدون دخالت زن امکان پذیر بود. زن بعد از وفات شوهر آزادی عمل در تعیین ازدواج آینده نداشت. می بايست او مطابق فیصله رئیس فامیل با یکی از نزدیکترین خویشاوندان شوهر متوفای یعنی برادر، پسرکا کا وغیره تزویج میشد.

تعدد زوجات مخصوصاً در بین شاهان، اشراف، زمین داران و توانگران زیادتر رواج داشت، در حالیکه فقراء و بی بضاعتان بیش از يك زن نداشتند و حتی بعضی ها به علت ناتوانی مالی تا اخیر عمر طور مجرد به سر میبردند. باختصار کلام میتوان گفت که زن در جامعه فیودالی عصر امپراتوری درانی زیر فشار آئین، رسوم و روش های کهنه نظام فیودالی از حقوق انسانی و اجتماعی محروم بود.

چ- زن در دوره محمد زایی :

در عهد حکمرانی محمد زایی ها بعد از ختم امپراتوری درانی از ۱۸۱۸ - ۱۹۱۹م که درست يك قرن را دربرمیگیرد هنوز سیستم فیودالی به قوت خود باقی بود. اگر این دوره را از نظر انکشاف موقف زن در جامعه به بررسی بگیریم، با عصر ماقبل خود یعنی سلطنت سدوزایی ها چندان تفاوت قابل ملاحظه ندارد.

در این دوره مانند روزگاران قبلی هیچ نوع تلاش در راه تضمین حقوق عادی و انسانی زن و اندک جد و جهد در جهت تربیت و رشد ذهنی و عقلی زنان صورت نگرفت. زنان و دختران بی سواد بودند و از خانه ها بدر نمیشدند. در مجالس و محافل شوهران نام زوجه خود را ذکر نمیکردند، زیرا گرفتن نام اصلی زن در مظهر عام عیب و ننگ شمرده میشد، اکثراً خانم های خود را به نام های « مادر اولادها، عیال، کوچ، سیاه سر» و غیره یاد میکردند.

بدون تردید آنچه گفته میتوانیم این است که تبعیض جنسی در جامعه مردسالار کشور در این دوره هنوز هم بیداد میکرد و زن از جمیع حقوق عادی انسانی از قبیل حق انتخاب شوهر، تصمیم گیری طلاق، گشت و گذار در خارج از خانه و غیره محروم بود. بی مورد نخواهد برای درک بهتر طرز زندگی رقت بار زن عباراتی چند از سراج الاخبار عصر امیر حبیب الله خان را در این جا اقتباس نمایم:

« اعلیحضرت زنان شهر کابل را که در زیارتگاهها، بازارها و سیرگاهها با برقه پرچین اهداده شده گشت و گذار داشتند از هنگام جلوس خود منع کردند و رنگ چادری را به خاک تبدیل دادند، و کنجی ها (سراپنده های رقاصه) مجبور به توبه کردن شدند و کوچ کنجی ها به دیگر اصناف شهر مسکون گردید.» (۸۶)

طوریکه قبلاً تذکر رفتن زن در دوره محمد زائی ها آنقدر تحت فشار قرار داشت که حتی حق گشت و گذار در خارج از منزل یعنی در کوچه و بازار برایش مقدور نبود. خالی از دلچسپی نخواهد بود تا قصه دلخراشی از مرزا یعقوب علی خافی مؤلف کتاب « پادشاهان متأخر افغانستان » پیرامون وضع نامساوی زن در آن دوره بشنویم:

« سردار محمد شریف خان پسر امیر دوست محمد خان که در آخر سلطنت پدر حاکم شهر کابل بود، روزی زنی را در بازار برخلاف رسم ناموسداری بدید که قدم میزد، امر کرد تا زن را در جوالی انداختند و چوب زدند تا ببرد (!) » (۸۷) دختران نه تنها حق انتخاب شوهر آینده خود را نداشتند، بلکه حق مصاحبه و مذاکره عادی بامرد ممنوع بود، مفا همه بامرد گناهی عظیم شمرده میشد. داستان غم انگیز دیگری را که دال برزبونی و سیاه روزی زن در این دوره است از « افغانستان در مسیر تاریخ » استماع فرمائید:

« امیر حبیب الله خان در آغاز سلطنت خود زنی جوانی میرمن بنت سردار محمد سرور خان را به گناه معاشقه و آنهم در عهد عبدالرحمان خان به دست مرزا محمد حسین خان کوتوال کابل، از دو چشم نشتر زد و آن زن زیبا خودش را با براده الماس بکشت، در حالیکه محبوب او (محمد ابراهیم خان پسر استاد احمد نجار باشی) که یکی از قشنگترین جوانان کابل بود قبلاً به دار آویخته شده بود.»

علی رغم تمام این ناهنجاریها و محرومیت های اجتماعی به تعداد فوق العاده قلیل زنان شاعره و فاضله منوط به فامیل های شاهان، سرداران، اعیان و اشراف در این عصر تبارز نمودند که طور نمونه اسمای بعضی از آنها در این جا ذکر میشود: بی بی آمنه فدوی زوجه عبدالحبیب خان، صاحبو عاجزه دختر گل محمد خان قندهاری، گوهر کابلی، مستوره غوری، صفورا محجوبه، ملاله، مخفی بدخشانی، سپینه بیگم بنت نور محمد خان الکوزایی (۸۸) و غیره.

تعداد زوجات در این دوران مروج بود، شاهان، سرداران، درباریان و سایر توارنگران به تناسب استعداد مالی خود دارای چندین زن بودند، چنانچه به قول شاه دروان غبار امیر دوست محمد خان چهارده زن نکاحی و ده زن صورتی داشت که از آنها پنجاود و فرزند (بیست و نه پسر و بیست و سه دختر) به جا ماند.

هكذا امير حبيب الله خان بيستراز صد زن به عنوان « حرم ، سراري ، خدمه و جواړي » در حرم سراي با شكوهي نگهداري مينمود .

با توجه به مطلب فوق الذكر چنين استنتاج ميشود كه هنوز در اين دوره در کشور تبعيض جنسي ، اجتماعي و اقتصادي عليه زنان ادامه داشت كه سرانجام با ايجاد مرحله نوين تاريخي در کشور يعني استقرار دولت مشروطه آنها حقارت بردگي قرون وسطائي را به دور انداختند و براي مدت كوتاهي حاكم بر سرنوشت خود گرديدند ، اما افسوس كه خيلي زود گذر بود .

آن عده از هموطناني كه خواسته باشند كتاب را خريد نمايند مي توانند به آدرس ذيل تماس بگيرند:

Dr. Ajruddin Hashmat
97 Forest Heights Str.
Whitby, Ont. L1R 1x7. Canada
Tel (905) 665-8767